

معرفی اقدامات شاخص و ابتکارات مردمی



الگوهای

یکشنبه های

ارائه دهنده:

محمّد کمالی زاده

انتخابات

موضوع:

پاتوق گفت و گو

طرح:

بهمن ماه ۱۴۰۲

تاریخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پاتوق گفت‌وگو

مقام معظم رهبری در دهه ۸۰ مطلبی را بیان کردند با عنوان مخاطب واقعی با مردم. ایشان می‌فرمایند: «تویتر و فیس‌بوک خوب است اما ما باید برویم به سمت مخاطب واقعی با مردم.» بنا به تجربه خودم در ۱۲ سال بنرگذاری به این نتیجه رسیدم که ما در فضای مجازی نهایتاً با دشمن مساوی خواهیم شد پیروز نخواهیم شد. این به بدان معنا نیست که فضای مجازی را رها کنیم بلکه قاعدتاً فضای مجازی باید حفظ شود. فضای مجازی مثل دروازه ما، خط مقدم ما و یا خط پشتیبان ماست؛ اما آنچه که اینجا مهم است این است که یک تیمی باید به خط دشمن بزند. یک تیمی باید به جلو برود. یک تیمی باید بجنگد و آن کسانی هستند که وارد عرصه مخاطب واقعی شوند. انسان ایرانی انسان مخاطب واقعی و گفت‌وگوی رودررو است. پیش از اینها ۳ منبر اصلی مردم ایران منبر، نقالی و مهرکه‌گیری بوده است. الحمدلله منبر تا حد زیادی حفظ شده است؛ اما نقالی و مهرکه‌گیری فراموش شده است. ما آدم‌هایی هستیم که نسل‌های گذشته ما با نقالی و مهرکه‌گیری بزرگ شدند.

لذا ما کافه گفت‌وگو را بر مبنای همین نقالی و معرکه‌گیری طراحی و اجرا داریم می‌کنیم. دغدغه دیگر مقام معظم رهبری شکاف اجتماعی است. یعنی ما باید کاری کنیم که شکاف اجتماعی به حداقل خودش برسد. هگل نیز در بحث دیالکتیک می‌گوید هر جامعه‌ای تناقض‌هایی دارد نه تضادها. در منطق هم همین‌طوری است. یعنی لزوماً آدم‌ها مثل یکدیگر فکر نمی‌کنند و مثل یکدیگر هم نیستند. هنر مدیریت این است که جامعه‌ها را پیش ببرد هرچند که اینها با یکدیگر متناقض‌اند. حال سؤال این است که ما چگونه می‌توانیم این تناقض‌ها که الان آن را دوقطبی می‌نامیم کاهش دهیم؟ ما سال ۱۳۹۸ کافه گفت‌وگو را شروع کردیم و در سال ۱۴۰۰ هم رهبری فرمان جهاد تبیین را صادر کردند و آن یک تأییدی بر کافه گفت‌وگو بود. کافه گفت‌وگو سال ۹۸ شروع شد تا اینکه به سال ۱۴۰۰ رسیدیم. ما با دوستان به ستادهای مختلفی می‌رفتیم.

مشاهده کردیم الان دیگر نیازی نیست برای آقای رئیسی ستاد بزنیم چون مشخص بود ایشان رئیس‌جمهور می‌شوند لذا رفتیم ستاد مشارکت حداکثری در سال ۱۴۰۰ تا بتوانیم مشارکت مردم را از طریق همین کافه گفت‌وگو یا اگر روش دیگری باشد این کار را بکنیم و مشارکت مردم را افزایش بدهیم. ما خودمان آن سال توانستیم حدود ۲۷ یا ۳۷ تا کافه گفت‌وگو در مشهد برگزار کنیم و آموزش دادیم که همه بتوانند برگزار کنند.

دوستی از بچه‌های بالا گفته بود ما یک شب در خراسان رضوی شمردیم ۴۰۰ کافه گفت‌وگو برگزار شده بود یعنی ما نهایتاً در اوج خودش ۲۷ تا فقط در مشهد پوشش دادیم فهمیدیم ۴۰۰ تا کافه گفت‌وگو برگزار شده بود؛ اما کافه گفت‌وگو چه هست؟ یک روش برای برقراری ارتباط با مردم است. ما در این ۴ سالی که تلاش می‌کنیم برای مردم یک نتیجه خیلی قطعی داریم و آن این است که اگر شما همه عالم را داشته باشد باز هم چیزی حدود ۴۰ درصد محال است که بتوانید با مردم ارتباط برقرار کنید. چون بیشتر درد مردم، درد منطقی نیست بلکه یک درد مردم مبنی بر احساسات است. یعنی فرد در فضای مجازی حرفی را شنیده و برانگیخته شده و اصلاً دوست ندارد ما را ببیند. لذا در کافه گفت‌وگو قطعاً مهم است که ما جزوات آقای راعشی را بخوانیم و بلد باشیم اما این فقط ۴۰ درصد کار را می‌تواند برای ما پیش ببرد؛ اما ۶۰ درصد دیگر آن مدل حرف زدن با مردم و نحوه ارتباط با آنها است. این مهم است. حالا اینکه کافه گفت‌وگو چگونه برگزار می‌شود؟

کافه گفت‌وگو چند حالت جدی دارد که عبارت‌اند از تخته، میز، جزیره و کافه ثانیه. میز حالت اولیه است. چند صندلی دور هم می‌چینیم. روحانی روی یک صندلی نشسته است و دو سه تا صندلی جلوی او قرار می‌دهیم. چند متر آن طرف‌تر همین‌طور. چند متر آن طرف‌تر هم همین‌طور. قسمت عمده آن شعار ما است. هن و تو هم وطنیم بیا با هم حرف بزنیم.

واژه هم وطن اشاره به قشر مشخصی مثل حزب‌اللهی، بسیجی، دین‌دار، مذهبی و یا شیعه ندارد. بلکه همه مردم را در بر می‌گیرد. مثلاً در پارک نشستیم یک روحانی هم در کنار بنری که روی آن این شعار نوشته ایستاده است. همین بنر ۷۰ درصد کار را تشکیل می‌دهد. چون کافه گفت‌وگو در واقع یک نمایش خیابانی است. به این معنی است که اگر کسی نیامد و مخاطبی نداشتی ایراد ندارد. همین که یک نفر رد شود شما اعتماد به نفست را حفظ می‌کنی و برای او صندلی می‌گذاری اگر او نیامد تقصیر خودش است. این نشان می‌دهد که ما دارای یک منطقی هستیم که حاضریم کنار خیابان هم بایستیم و از آن دفاع کنیم. نام قسمت اول را گوش رایگان گذاشتیم همان‌طور که در وقایع پاییز ۱۴۰۰ واژه آغوش رایگان داشتیم ما آمدیم به جای آن گوش رایگان را انتخاب کردیم. نکاتی دارد. ۳۶ نکته را ما به دست آورده‌ایم از این باب که چطور با مردم حرف بزنیم؟ چطور در مباحث شرکت کنیم؟ مثلاً ما بیشتر گوش می‌کنیم. خداوند در قرآن فرمود اُذُنْ بَاشْ یَعْنِیْ گُوشْ بَاشْ برای مردم. بیشتر گوش کنیم. کمتر حرف بزنیم و بگذاریم مردم بیشتر حرف بزنند. گاهی به شوخی به دوستان روحانی می‌گویم شما به اندازه کافی منبر رفته‌اید بگذارید مردم حرف بزنند برکات عجیبی دارد. ما کسی را قانع نمی‌کنیم. سعی ما بر این است که باب گفت‌وگو را با مردم باز کنیم.

در قسمت میز و صندلی کافه گفت‌وگو هیچ موضوعی ندارد. مردم می‌گویند حاج‌آقا چه بگویم؟ ما می‌گوییم هرچه دوست داری بگو. این دو نکته اصلی بحث میز است. موضوع دیگری که در کافه گفت‌وگو داریم و می‌توان در ایام انتخابات پیاده کرد و خیلی مهم می‌باشد، تخته است در قسمت تخته ما یک تخته وایت‌برد در کنار خیابان شلوغ می‌گذاریم که مزاحم مردم هم نباشد و حتی‌المقدور مزاحم کسب‌وکاری کسی نباشد. یک استاد، مجری، تخته، بنر، میکروفون و آمپلی‌فایر داریم. استاد سؤالی را مطرح می‌کند مثلاً آیا امیدی به آینده کشور است؟ مجری هم این سؤال را حدود ۵ دقیقه این سؤال را مطرح می‌کند و آن را توضیح می‌کند. مثلاً می‌گوید اینجا کافه گفت‌وگو است و سؤال ما این است که آیا امیدی به آینده کشور است و مثلاً بگوید آیا امیدی به آینده کشور است؟ اینجا قرار است با یکدیگر صحبت کنیم مثلاً از چیزی‌هایی که خودم می‌گم این است که آیا این شیخ‌ها بعد از ۴۵ سال کاری برای مملکت کردند؟ خب تعدادی از ملت جذب می‌شوند. چیزی حدود ۵۵ درصد مردم به دانشگاهیان اعتماد دارند و ۴۵ درصد مردم به روحانیون. لذا ما تأکیدمان بر این است که در آن قسمت میز یک روحانی باشد و در آن قسمت تخته یک فرد دکترا یا دانشجوی دکترا در یک طرف تخته دانشجوی دکترا و آن طرف یک روحانی بایستد و مردم را به حرف‌زدن وادارد.

مجری جریان کار را اعلام می‌کند و استاد مبحثی از پیشرفت‌های ایران را ارائه می‌کند و بعد دوباره مجری دیالوگ خود را می‌گوید همین‌طور کار ادامه پیدا می‌کند و حرف می‌زنیم. بعضی مردم نمی‌خواهند وارد شوند. اگر ده دقیقه یک ربع مقاومت کنید بالاخره یخ مردم باز می‌شود می‌آیند حرف می‌زنند. حالت دیگری از کافه گفت‌وگو، کافه دوستانه است. یک خیمه‌ای درست کنیم برای زمانی که سرماست درست کنیم و در آن ایستگاه صلواتی داشته باشیم. چند تا از صندلی خوب و کافه‌ای در آن قرار دهیم. کنار هر میزی یک استاد می‌گذاریم. نشسته چند تا بازی کارتی تهیه می‌کنیم. وقتی مردم می‌آیند چایی بخورند با هم حرف می‌زنیم. پرچم پنج تا کشور با پنج اتفاق مثلاً تورم در کدام کشور بیشتر است یا دزدی در کدام بیشتر است؟ و... مردم طبیعتاً چیزهای بد را کنار پرچم ایران و چیزهای خوب را کنار پرچم کشورهای غربی قرار می‌دهند. حواسمان باشد که چند تا از موارد بد ایران را هم بگوییم. وقتی یخ طرف شکست اصطلاحاً سپرش افتاد آن وقت ما توضیح می‌دهیم رسانه با ذهن ما چه کار می‌کند و از این داستان‌ها.

حالت بعدی جزیره است. جزیره همان بچه‌های خودمان هستند. مردمی که مردمی که دور کافه نشسته‌اند معمولاً غرغر می‌کنند یک نفر باید باشد که اینها را قانع کند و جزیره‌ای با آنها حرف بزند تا پاسی از شب. در این مورد در فرصت آینده بیشتر توضیح می‌دهیم.

یکی از کارهایی که برای اقناع مردم انجام می‌دهیم سعی می‌کنیم آدم‌ها سپر خود را بیندازند. ممکن است حرف آنها درست باشد و مملکت همه از دم دزد باشند. در همین نکته یک خلأ ایجاد کنیم. همین کفایت می‌کند. لزوم این مورد این است که ما هم باید بی سپر جلوی فرد حاضر شویم. طوری که شاید ما داریم اشتباه می‌کنیم.

خیلی نگران این مسئله هستند که اگر آمدند به نظام فحش دادند چه؟ کسی که بخواهد فحش دهد می‌رود در خانه خودش هم فحش می‌دهد. کار صحیح این است که بیایند این فحش را جایی بدهند که جوابی هم بشنوند. احمد رهدار یک بحثی دارد با عنوان بحث میدان و صحنه. می‌گوید یک نفر در مترو به یک روحانی توهین کند و همه به آن روحانی بخندند و آن روحانی جواب او را بدهد باز همه به او باز همه به آن فرد فحاش می‌خندند.

وقتی مردم خانه می‌روند به آن روحانی می‌گویند چه روحانی بی‌تریتی بود ولی اگر روحانی در جواب توهین آن فرد سکوت کند مردم می‌گویند چه روحانی مظلومی و جلوی آن فرد هتاک می‌ایستند. این یعنی ازدست‌دادن میدان و به‌دست‌آوردن صحنه. این اتفاق برای یکی از دوستان ما پیش آمد و مردمی که آنجا بودند فرد توهین‌کننده را از آنجا خارج کردند و از این روحانی دفاع کردند.

عده‌ای هم هستند که می‌خواهند اغتشاش کنند که اینجا کار بچه‌های جزیره‌ای است. این مورد را در بحث مربوط به جزیره توضیح خواهم دادم.

یک پسر بچه‌ای آمده بود پیش یکی از اساتید کافه گفت وگویی ما و گفته بود حاج‌آقا می‌شود با شما حرف بزنم گفت بله می‌شود پسر بچه گفت دوستانم مسخره‌ام می‌کنند پدر و مادرم دعوایم می‌کنند که با شماها حرف می‌زنم این بنده خدا هم ماسکش را آورد پایین و گفته نه ما شیخ‌ها هم یک تیره از آدم‌ها هستیم. منظور این است که در این حد فاصله دارند بعضی‌ها. یکی از اساتید ما گفته بود بنده خدایی به او گفته بود شما تنها بسیجی‌ای هستی که می‌شود با او حرف زد این استاد ما هم گفته مگر با بقیه بسیجی‌ها هم حرف زد آن فرد هم گفته نه ولی شماها همه‌تان وحشی هستید و نمی‌شود با شما حرف زد تو یکی با بقیه فرق داری.

در همین پارک ملت مشهد آنجا فردی به استاد ما گفته بود من آمده بودم گناه کنم ولی شماها را دیدم منصرف شدم البته در کنار آن هیئت هم داریم و بی‌تأثیر نیست. جلوی آن هم کافه گفت‌وگوی با افراد مختلف و سلايق متفاوت داریم. آدم‌هایی که اصلاً فکر آن را نمی‌کنید آمدند از ما دفاع هم کردند. یک زن و شوهر در سال ۱۴۰۰ آمده بودند می‌گفتند ما شب‌ها می‌رویم شبهاتمان را می‌نویسم تا فردا شب بیاییم از شما پرسیم. اینها اتفاقات خوب و بازخوردهای کار ما بود. آن کار ما هم که در فضای مجازی و ایرال شد از اشتباه ما نشئت گرفته بود چون نشان داده بودیم که در جمهوری اسلامی به چنین فردی تربیون داده است. این فیلم در پیج مسیح علینژاد ۱۰ میلیون ویو خورده بود. ما در ایتا هم کانال داریم با آیدی کافه گفت‌وگو با یک O و آنجا می‌توانید فیلم‌های ما را ببینید. یک بنده خدایی آمده بود می‌گفت این نظام چه دارد که از آن دفاع می‌کنید؟ بنده خدایی دیگر هم بود و چنین می‌گفت حالا ما بعدش یکدیگر را بغل کردیم. آنچه مهم است آن حس خوب است که منتقل شود خود ما اولش که کتاب‌های شهید مطهری نخوانده بودیم. ما به خاطر آن حس خوبی که داشتیم آمدیم در این راه اما طرف مقابل ما این حس را نداشته کسی نبوده دستشان را بگیرد آنها را بیاورد مسجد یا هیئت اما ما داشتیم. مجری هم می‌تواند این حس خوب را منتقل کند.

با نوع اجرایش و طنز در اجرا می‌تواند هم مردم را بخنداند و هم حس خوب منتقل کند. بار عمده آن برعهده استاد است و بار احساسی و طنز برعهده مجری است. نکات مهم‌تری هم از جمله همان مدل جزیره است که در فرصت مناسب توضیح خواهم داد.

نکته دیگر اینکه من به شدت تأکید دارم که کافه گفت‌وگو شخصی نیست ولی می‌خواهیم برند آن حفظ شود. اسم اختصاصی روی آن نگذاریم مثل همان تریبون آزاد که هرکجا برگزار شود با همان عنوان است اگر می‌خواهیم کافه گفت‌وگو برگزار کنیم از همین نام باشد. نکته‌های مثل اینکه صندلی بلند نباشد، میز هم بلند نباشد باید کوتاه باشد، نکات مربوط به استاد و مجری را هم رعایت کنیم. اگر خواستید کار دیگری بکنید اسم آن را کافه گفت‌وگو نگذارید مثلاً یک روحانی رفته بود مدرسه‌ای تا با دانش‌آموزان صحبت کند اسم کار را گذاشته بود کافه گفت‌وگوی مدرسه فلان این اشتباه است. اسم اختصاصی نگذاریم. اگر خواستید کار دیگری بکنید اسم دیگری روی آن بگذارید مثلاً بگذارید پاتوق گفت‌وگو و یا هرچیزی که دوست دارید. خلاصه اینکه این دو نکته را رعایت کنید و اگر هر پیشنهادی داشته باشید ما پذیرا هستیم.

یک وقتی هست این طور با علی صحبت می‌کنید. علی که فضای فکری او با فضای فکری ما متفاوت است، یک وقتی هست می‌گوید حسن که پسرخاله علی است، علی من کم آوردم، در این گروه رقبای من پیشی می‌گیرند، علی بیا کمک. علی که. پسرخاله حسن است به واسطه همین که بیاید کمک حسن، می‌آید به او رأی می‌دهد. خب؟!!

من وقتی دیدم که ما در استان فارس حدود هشتصد، نهصد کاندید تأیید صلاحیت شده داریم، اینها هرکدام شبکه دارند، هر کدام ظرفیت دارند و خودشان تبلیغ دارند می‌کنند، اگر ما به آنان کمک کنیم تبلیغات گسترده‌تری برای خودشان انجام بدهیم، یک شبکه بسیار گسترده از مردمی که حامی این افراد هستند می‌توانیم ایجاد کنیم و ما این کار را می‌کنیم. چون فضا، فضایی است که همه یکسان امکان رشد و ارتقا دارند ظلمی به کسی نمی‌کنیم و ما به هیچ گرایشی هم سعی نمی‌کنیم که روی آن تأکید کنیم. ما حرفمان این است که ستاد انتخاباتی همه کاندیداها برای بالابردن مشارکت باشد. همین ابتدای کار که ما دو سه روز است کار را شروع کردیم، اول شروع به فعالیت جدی در استان رقم خورده، همه دارند تلاش می‌کنند، یکی از دستاوردهای ما این است که به کاندیدا وقتی پیام دادیم، کاندیدایی که ایتا نصب نداشته به واسطه اینکه ما چه هستیم، چه داریم می‌گوییم رفته ایتا نصب کرده.

خوب خیلی جالب است دیگر! به خاطر کاری که سمک شروع کرده این کار را کرده. یک فعالیت جدی در استان رقم خورده است. اصلاً ما شاهد این هستیم که خیلی از این کاندیداها، اصلاً رزومه‌شان را جمع‌وجور نکرده بودند، نمی‌دانستند از کجا شروع کنند و کم‌کم با آن ساختاری که ما در اختیارشان قرار دادیم و گفتیم اینجا را این کار را بکنید، دارند یک نظمی به کار تبلیغاتی و برنامه‌گی خودشان می‌دهند. یعنی ما ده مورد ازشان خواستیم، تقریباً این ده مورد تلاش می‌کنند تا تکمیل کنند و پر کنند تا به درد کار آینده‌شان بخورد.

ما چهارهزار نفر مخاطب در سه روز شناسایی کرده‌ایم، Ek آدم در آوردیم و اینها خیلی می‌توانند به ما حکم کنند. عزیزی که در ایتا فعالیت دارند می‌دانند که Ek در ایتا برابر است با تعداد زیادی در شبکه‌های دیگر چون مخاطب، مخاطب دغدغه‌مند است و مخاطب مشخص‌تری است.

ما دستاورد خیلی خوبی داشتیم در این سه روز، ما به ۲۴٪ تا ۲۵٪ تکمیل اطلاعات کاندیدا رسیدیم در این سه روز و خیلی عدد خوبی است. کاندیدا با رقبایشان و فعالیت‌های آنها آشنا می‌شوند و کیفیت کار تبلیغاتی کاندیدا قطعاً برای اینکه همه همدیگر را می‌بینند شاید ان‌شاءالله بالاتر خواهد رفت.

- پرسش و پاسخ

+ من یک سؤال دارم و این است که برای هر کدام از اینها یک گروه یا یک کانالی تشکیل می‌شود برای هر نامزد؟ یا نه یک کانال مرجعی وجود دارد و ناظر بر آن در آن کانال هر کدام از اینها لایو می‌روند یا...

_ ما برای هر نفر یک صفحه درست کردیم و برای هر حوزه انتخاباتی یک گروه ایجاد کردیم. رقابت بین اعضا را در گروه دنبال می‌کنیم، پخش زنده را در گروه دنبال می‌کنیم، در گروه مخاطبین ما هم مردم آن حوزه انتخابیه هستند، هم رقبا همه همدیگر را می‌بینند و آن صفحه شخصی هم امکان این را دارد که خودشان در تبلیغات خودشان استفاده کند و جاهای مختلف هم استفاده کنند. حتی ما ایده‌مان این است که الان با صداوسیما استان فارس صحبت کردیم که آن بخشی را که در سیما دارند را ضبط شده‌اش را ما در صفحه شخصی‌شان قرار دهیم. یعنی یک کاندیدی رفته در صداوسیما چند دقیقه‌ای صحبت کرده، آن را برداریم بزاریم اینجا. حتی داریم به این فکر می‌کنیم که اگر کاندیدی خواست خیلی حرفه‌ای‌تر کار انجام دهد، یک خدمتتان عرض کنم، کانال بیست و چهار ساعته حتی به وسیله‌ی حالا آن اتصال به آپارات و آموزش‌هایی که به او می‌دهیم بتواند در صفحه شخصی‌اش راه‌اندازی کند که اگر واقعاً این قدر تولید محتوا داشت،

این قدر می‌توانست با مردم صحبت کند، فرصت این را داشته باشد که بتواند بیست و چهار ساعته در صفحه خودش به صورت پخش زنده با مردم صحبت کند.

حالا تا ببیند آقای رستگار برآورد خودتان این است که چند درصد از کاندیداها تن بدهند به سهمک؟

_ ما امروز از صبح تقریباً آن لیست هشتصدتایی که داشتیم، به تعداد زیادی پیام دادیم، زنگ زدیم، تک‌به‌تک و به قول گفتنی داریم تماس می‌گیریم و می‌گوییم چه کسی تمایل دارد در پخش زنده شرکت کند. من فکر می‌کنم که واقعاً درصد بالایی، تقریباً پنجاه، شصت نفرشان از این کار استقبال کنند. می‌گوییم که الان اطلاعات تعداد زیادی از این کاندیداها... بزراید من هم زمان صفحه را برای شما بیارم شما ببینید چی است.

خب، نکته‌ای که دارد این است که ببینید، چیش کاندیدا در حالت پیش‌فرض به صورت اتفاقی است، یعنی به صورت رندوم است که خدایی نکرده این گمان پیش نیاید که ما می‌خواهیم کسی را تبلیغ کنیم. نگاه کنید، این‌هایی که حالا عکس دارند یا آنهایی که عکس ندارند هم اطلاعاتشان تکمیل شده. این در حوزه انتخابی مختلف همه اینها هستند، من مثلاً می‌توانم جهرم را انتخاب کنم و با دکمه جست‌وجو فقط لیست جهرم را بیاورم.

یا حتی گرایش‌های سیاسی متفاوتی که هست. نگاه کنید، الان تعداد زیادی ازشان اطلاعاتشان را پر کردند و قطعاً تا چند روز آینده، ما هنوز فرصت زیادی داریم تا انتخابات. اینها تکمیل و تکمیل‌تر می‌شود.

– آقای رستگار که در مورد آموزش‌هایی که به کاندیدا می‌دهید بیشتر توضیح دهید و اینکه می‌فرمایند اطلاعات وارده صحت سنجی می‌شود یا نه.

نگاه کنید، این اطلاعات، اطلاعاتی است که مثلاً در بروشورشان می‌خواهند چاپ کنند یا اطلاعاتی است که در اختیار بقیه قرار می‌دهند، ما وظیفه صحت سنجی را دیگر نداریم، شورای نگهبان و اینها کار خودشان را کردند، شورای نظارت استان و... که این آدم، آدم درستی است و دروغ نمی‌گوید و وقتی که این اجازه را به او دادند که کاندیدا باشد و تأیید صلاحیتش کردند، آنجا هم دیگر فکر نمی‌کنم بعدش کسی نظارت کند که چی بوده، چی نبوده. ما اینجا هم نه توانش را داریم نه ابزاری داریم نه دخالتی می‌کنیم. حالا تمام تغییرات در سامانه جوری ثبت می‌شود که چه کسی چه تغییری انجام داد و برود یک بررسی انجام شود. ولی به صورت کلی است و ما این کار را نمی‌توانیم بکنیم.

آموزش‌هایی که به کاندیداها می‌دهیم، بگذارید من دوباره صفحه‌ام را بیاورم و نمونه گروه‌ها را هم بهتان نشان دهم.

صفحة من را دارید؟ نگاه کنید، این شماره سامانه سمک است، نگاه کنید، اینها همه کاندیدایی هستند که دارند برای ما اطلاعات را می‌فرستند. ما گفتیم سوابق تحصیلی، اجرایی، رزومه، همه اینها را برای من بفرستید و تک‌به‌تک دارند می‌فرستند. این گروه‌هایی است که ما ایجاد کردیم، اطلاعات و همه آن داستان‌ها را برای ما می‌فرستند. نگاه کنید مثلاً، نفر ما ۶۲۲ نفر عضو پیدا کرد که همه همدیگر را دارند عضو می‌کنند، یا استهبان و بختگان ما ۶۷۷ نفر عضو دارد و همین‌طور دارد اضافه می‌شود. یعنی یک شبکه‌ای است که پخش زنده و مناظره و برنامه‌هایمان را در گروه‌های حوزه‌های انتخابیه ایجاد بکنیم قطعاً همه کاندیدا طرفداران‌شان را و همه را خبر می‌کنند تا یک جو خوبی ایجاد شود.

ما واقعاً رقابت را به معنی واقعی کلمه رقابت داریم شروع می‌کنیم. آموزش‌ها، چیزی که الان توضیح دادم، ناظر بر پخش زنده و فضای مجازی و اینها بود. خیلی بنایی نداریم که چیز ویژه‌ای از نظر آموزشی به کاندیدا ارائه کنیم.